

تحلیل و بررسی اجتماع اسباب از دیدگاه فقه و حقوق کیفری با تأکید بر نظر امام خمینی (س)

قدرت‌اله خسروی^۱

ابوالحسن مجتهد سلیمانی^۲

چکیده: با توجه به لزوم رسیدن به اتحاد رویه مفسران در تدوین قانون مربوط به‌صورت مختلف ارتکاب جرم، این مقاله به بررسی یکی از مهم‌ترین مباحث در فقه و حقوق که همانا بحث تعدد اسباب اعم از طولی و عرضی یا اجتماع اسباب و مباشر و حتی تعدد مباشر است می‌پردازد. باورمندی مبتنی بر الزام قانونی نسبت به احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به‌عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده عنصر مادی در جنایات و همچنین میان فعل زانیار و خسارت‌های وارد شده که از ارکان مسئولیت مدنی محسوب می‌شود؛ نمی‌تواند عاملی برای نادیده گرفتن کاستی‌ها و نقصان‌های فراوان و مشهود در قوانین مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌ویژه فقدان معیار واحد و تجویز راهکارهای متعدد برای احراز سببیت باشد. لذا با بررسی قوانین و نظریه‌های مختلف، این تحقیق منتج به آن گردید که در وضعیت کنونی برای احراز سببیت باید علاوه بر بررسی نوع مداخله عوامل و نوع رفتار مرتکبان در قالب تعدد اسباب یا تعدد مباشر و یا اجتماعی از هر دو، با استناد به ماده‌های قانونی، رویه قضایی با بهره‌گیری از منابع مختلف به‌ویژه آرای فقهی، بخصوص دیدگاه امام خمینی شرایط و واقعیات هر پرونده مدنظر قرار گیرد و با در نظر گرفتن عرف، رابطه سببیت را تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، تعدد اسباب، تعدد مباشر، اجتماع سبب و مباشر،

جنایات

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی فقه و حقوق جزا، تهران، ایران. E-mail: kmohammad9178@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. E-mail: kmohammad9178@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۸

مقدمه

در حقوق کیفری سببیت که در برخی متون با عنوان علیت از آن یاد می‌شود، یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری در کنار دیگر شروط است. از طرف دیگر، احراز رابطه استناد به عنوان بخشی از رکن مادی جنایت بر الزام قانون مبتنی می‌باشد که طبق ماده ۴۹۲ ق.م.ا: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت باشد یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود» به هر حال، هر نوع جنایتی اعم از عمد، شبه عمد یا خطای محض که رخ می‌دهد رابطه آن باید احراز گردد تا بتواند نقش تسبیب یا تعدد اسباب و مباشر اعم از طولی و عرضی و تأثیر جنایت‌های وارده را بررسی نماید و مطابق با آن قوانین در حقوق کیفری و حقوق مدنی با جانی برخورد نماید. لذا، از یک طرف حقوق دانان اسلامی با استعانت از منابع روایی و دقتی در خور ستایش، با تفصیل دقیق موارد، ضوابط حاکم بر اجتماع عرضی عوامل را از اجتماع طولی آن‌ها متمایز دانسته‌اند که در این خصوص از نظرات فقهای عظام خصوصاً دیدگاه امام خمینی استفاده فراوانی شده است.

در اجتماع عرضی که فعل هریک از مداخله‌کنندگان در حدوث زیان، هم زمان تأثیر داشته است، نتیجه به همه آن‌ها اسناد داده می‌شود، هر چند مراتب دخالت عوامل متفاوت باشد و یا در انجام فعل خود، تقدم و تأخر داشته باشد. لکن اگر عوامل در طول یکدیگر واقع شوند به طوری که تأثیر یکی مقدم بر تأثیر دیگری ظاهر شود؛ با توجه به چگونگی نقش هریک، دخالت آنان در زیان را به دو صورت «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب» منحصر دانسته‌اند.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر اساس قول مشهور فقیهان اسلامی، در ماده ۳۶۳ ق.م.ا در اجتماع سبب و مباشر نتیجه را به مباشر مستند دانسته است، مگر آنکه علیت فعل وی ناشی از اقدام سبب باشد که در این صورت سبب اقوی از مباشر قلمداد شده، همان ضامن است.

با توجه به مباحث مذکور در حقوق کیفری در بحث جنایات و جرایم نیز در مسئولیت مدنی رابطه مسئولیت مدنی و کیفری، رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه حاصل از آن فعل، جهت تحقق جرم یا ضمان لازم است. مبحث جنایات که موجب دیه و یا قصاص است؛ محل تلاقی نقطه اشتراک مسئولیت مدنی و کیفری می‌باشد بدیهی است؛ می‌دانید طبق نظر برخی از حقوق دانان دیه تنها ماهیت مدنی دارد و هدف از آن جبران خسارت زیان دیده است. ولی برخی دیگر بر این عقیده‌اند که دیه در نظریه حقوقی از آنجا که هم خسارت زیان دیده را جبران می‌کند و هم به مجازات فاعل می‌پردازد ماهیت دوگانه دارد (کاتوزیان ۱۳۸۷: ۴۴). لذا طبق دو دیدگاه فوق آنچه حاصل می‌گردد این است که مفهوم سببیت در جنایات - که در قانون

مجازات اسلامی به طور وسیع مورد بحث قرار گرفته - در مسئولیت مدنی نیز قابل اجراء است. لازم به ذکر است، قبلاً پژوهش‌های متعددی در حوزه سببیت در جنایات انجام گردیده است اما با توجه به تغییر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحقیقات انجام شده تا حدی می‌توان گفت اعتبار خود را از دست داده‌اند و برخی دیگر نیز سببیت را فقط از یک بُعد مانند اجتماع سبب و مباشر و یا مواردی از این قبیل مورد ارزیابی قرار داده است؛ لذا این مقاله می‌کوشد تا اولاً، از جهات متعدد به بررسی تعدد اسباب و مباشر و اجتماع آن‌ها اعم از طولی و عرضی و حتی بررسی جنایت‌های وارده بپردازد و از طرف دیگر، با عنایت به تطابق با قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ باشد. همچنین ضمن تعیین مفهوم سببیت و نحوه دخالت عوامل متعدد در وقوع جنایت و خسارت، راهکارهای مربوط به آن را نیز بیان کرده است.

کلیات پژوهش

طرح مسئله

پژوهش حاضر در دو محور فقهی - حقوقی قادر است مقنن را در اتحاد رویه مشخص در جهت تدوین مقررات مربوط به صور مختلف ارتکاب جرم یاری کند، همچنین در جهت اجرای عدالت کیفری و در حیطه عملی می‌تواند مورد استفاده دانش پژوهان، دانشجویان حقوق، و کلای دادگستری و خصوصاً قضات قرار گیرد. لذا «اجتماع اسباب» از مباحث بسیار مهمی است که در فقه و حقوق کیفری توجه فقهاء و حقوق دانان را به خود جلب کرده است، خصوصاً در مبحث تعدد اسباب اعم از طولی و عرضی و یا حتی انتساب جرم به مباشر و یا سبب و طریقه اثبات آن در مباحث قضایی امروز، جزء یکی از مباحث بسیار دشوار است که توجه قضات را به خود جلب کرده که به تفصیل در این مقاله به توضیح آن می‌پردازیم. لذا بررسی تعدد اسباب، اجتماع اسباب و مباشر و حتی تعدد مباشر از جمله مسائلی است که با تأکید بر نظریات امام به تشریح آن می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در روایات شیعه که منبع نخستین فتواست هیچ اشاره‌ای به مباشرت و سببیت نشده است. اما از قرن پنجم به بعد در کتبی مانند مذهب ابن براج و مسبوط شیخ طوسی برای اولین بار اصطلاح سبب و مباشر و سبب و یا اجتماع اسباب و اجتماع سبب و مباشر آورده شده است. لذا از آن زمان به بعد توجه فقهاء و سپس حقوق دانان را به خود جلب کرده است به طوری که امروزه بخشی از

مواد قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ از جمله مواد ۴۹۲ یا ۵۳۷ یا ماده ۳۰۷ قانون مجازات مدنی به این موضوع پرداخته که به علت وجود پیچیدگی و مشکلات عدیده گاه در هنگام قضاوت، ابهاماتی به دنبال دارد و بعضاً در هنگام رسیدگی پرونده قضاوت با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند.

مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

اگرچه در زمینه عنوان پژوهش تاکنون در متون فقهی، پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و در محیط‌های دانشگاهی نیز پایان‌نامه‌هایی به این موضوع اختصاص یافته است، لکن موضوع اغلب پژوهش‌های یاد شده در حیطه نظری و کاربردی (رویه قضایی) محدود مانده و کمتر به ابعاد عملی و مصادیق عینی آن پرداخته شده است. براین اساس، ضمن احترام به کلیه پژوهش‌های صورت گرفته، انجام این تحقیق ضروری دانسته شد. لذا تلاش گردید ضمن اعلام از پژوهش‌های یاد شده، بیشتر به فروع عینی و عملی (کاربردی رویه قضایی) آن به‌ویژه اجتماع اسباب و مباشر و تعیین مسئولیت مباشر و سبب پرداخته شود!

تعاریف و مفاهیم

جنایت: در قانون مجازات اسلامی تعریف مستقلی از واژه جنایت ارائه نشده ولی در موارد متعددی از این واژه نام برده شده، لذا منظور از جنایت آسیب حاصله بوده و جدای از رفتار ارتكابی می‌باشد. که به سه قسمت جنایت عمدی، شبه عمد و خطای محض تقسیم شده است. **مباشرت:** طبق ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب، واقع شود».

تسبیب: طبق ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی: «تسبیب در جنایت آن است که سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود».

۱. در این رابطه می‌توان به پایان‌نامه «تسبیب در جنایات» از علی فرهادوند در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۰؛ «بررسی فقهی و حقوقی رابطه علیت (سببیت)» اثر بیژن هادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در سال ۱۳۹۰؛ پایان‌نامه «تسبیب در جنایات و بررسی آن در حقوق جزای اسلام» از سعید افشاری در دانشکده فقه دانشگاه پردیس فارابی ۱۳۸۷ و عباس محمدخانی «نقدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوی از مباشر» مجله حقوق دادگستری ۱۳۸۹ نام برد.

احراز رابطه سببیت

بر اساس آنچه بیان شد، برای تعیین مفهوم سببیت از منظر فقهای امامیه، باید به مفهوم سبب پرداخت. سبب در اصطلاح فلسفی به امری گفته می‌شود که از وجودش، وجود و از عدمش عدم معلول لازم می‌آید. به عبارت دیگر، بین سبب و مسبب ملازمه عرفی از جهت عدمی و وجودی برقرار است. همچنین، علت در اصطلاح مذکور به امری اطلاق می‌شود که از حیث عدمی و وجودی با معلول ملازمه عقلی دارد. با وجود این، به نظر بسیاری از فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، خساراتی به بار نمی‌آید.^۱ صاحب جواهر نیز در کتاب غضب پس از نقل تعریف‌های فقهای از تسبیب بیان می‌دارد: سبب به معنای علت تامه و به معنای اصطلاحی یعنی چیزی که از وجودش وجود حاصل شود و از عدمش عدم پدید آید برحسب ذاتش نیست (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۵۱). ماده ۵۰۶ ق.م.ا نیز این ضابطه را در تعریف تسبیب پذیرفته است. درحقیقت، شرط در معنای دقیق، امری است که از عدمش عدم لازم می‌آید، ولی از وجودش وجود لازم نمی‌آید. به عبارت دیگر، بین شرط و مشروط تنها ملازمه عدمی برقرار است، بدون اینکه وجود شرط برای تحقق مشروط به تنهایی کافی باشد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۴۸).

سبب از نظر فقهاء

از نظر فقهای مزبور، سبب امری است که اگر نبود، خسارت یا جنایت واقع نمی‌شد، بدون اینکه وجود آن برای تحقق خسارت کافی باشد. به عنوان مثال، چنانچه راننده‌ای با انحراف به چپ، به راننده دیگری که با سرعت غیرمجاز در حرکت است، برخورد کند، سبب ورود خسارت است؛ چراکه اگر انحراف او به چپ نبود، خسارت مذکور واقع نمی‌شد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۴۸). لذا با توجه با همین دقت نظری که وجود دارد، برخی فقهای متأخر برای احراز سببیت، ضابطه عرفی معرفی می‌کنند و با صراحت می‌گویند مراد از سبب یا تسبیت، علیت یا معنای فلسفی نیست. بلکه مقصود از آن فعلی است که موجب خسارت می‌شود و عرف آن را به مسبب منسوب می‌سازد و ضابطه آن نیز ارتکاب عقلائی است. به همین دلیل

۱. (ر.ک: علامه حلی ۱۴۱۳ ج ۳: ۶۵۱؛ ۱۴۲۰ ج ۵: ۵۳۹؛ محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۴: ۲۳۷؛ نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۵۶؛ حائری ۱۴۱۸ ج ۳: ۴۰۵؛ شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۱۲: ۱۶۳؛ مدنی تبریزی ۱۴۲۸: ۱۱۲؛ فاضل لنگرانی ۱۴۱۸ ج ۱: ۷۸ و ۱۰۴ (که به دلیل تعبد شرعی انتساب و ضمان را ثابت می‌داند)؛ موسوی اردبیلی ۱۴۰۳ ج ۱۳: ۳۹۱).

موارد آن متفاوت است. بنابراین، تسبیب مسئله عقلی نیست و معنای لغوی و فلسفی ندارد، بلکه تنها مسئله عرفی است و مقصود از آن انتساب عقلایی خسارت به مسبب است (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۴۹).^۱

برخی فقهاء نیز در عبارتی رسا گفته‌اند: «در این مقام، ملاک صدق انتساب اتلاف به اوست، گرچه تلف از طریق تسبیب باشد» (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۴۹). امام خمینی در این زمینه می‌گوید:

...البته بعضی از تسبیباتی که گاهی تلف بر آن مترتب می‌شود به طوری که به مسبب انتساب و استناد پیدا نمی‌کند مانند کندن چاه و انداختن چیزهای لغزنده در راه‌ها و معابر و غیر این‌ها... (امام خمینی ۱۳۸۵: ۲: ۳۹۴).

موسوی بجنوردی در تعریف تسبیب می‌گوید: تسبیب عبارت است از انجام دادن یا ترک فعلی که در ایجاد صدمه یا وارد کردن زیان به طور مستقیم نقش مؤثری داشته باشد، به نحوی که اگر آن سبب نباشد، آن جرم نیز واقع نشود (۱۳۸۸: ۲: ۲۳۸).

چنانکه گفته شد، معمولاً فقهاء سبب را عبارت از چیزی می‌دانند که اگر نمی‌بود، تلف حاصل نمی‌شد، ولی علت تلف چیزی غیر از سبب است. علت افتادن در چاه همانا خطای کسی است که در چاه افتاده است، اما سبب یعنی کندن چاه فعلی است که اگر صورت نمی‌گرفت، جنایت واقع نمی‌شد (اردبیلی ۱۳۹۲: ۱۳: ۳۶۴).

سبب از نظر حقوق دانان

از طرف دیگر حقوق دانان سبب را به سه نوع متمایز تقسیم کرده‌اند (فیض ۱۳۸۹) که عبارت‌اند از:

سبب قانونی

در این نوع جنایت جانی ایجاد کننده سببی است که با وجود آن به اعتبار احکام قانونی و شرعی، مجنی علیه نسبت به مرگ یا صدمات مادون نفس استحقاق می‌یابد؛ مانند شهادت مزور بر قتلی که مستوجب قصاص است یا گواهی کذب بر وقوع جرم شنیع زنا محصنه که در این موارد قاضی به استناد بیینه اقامه شده اقدام به صدور حکم قتل و کمتر از آن می‌نماید. در این مورد هر چند که قاضی حکم بر قتل یا کمتر از آن نسبت مجنی علیه صادر کرده است، اما در

۱. برای ملاحظه معیار صدق عرفی تلف در تحقق سبب (ر.ک: هاشمی شاهرودی و دیگران ۱۴۲۳: ۳: ۲۵۲؛

مراغی ۱۴۱۸: ۲: ۴۳۵؛ نائینی ۱۴۱۸: ۲: ۱۷۲)

واقع این شهادت کذب است که به حکم قانون موجبات اجرای کیفر را فراهم آورده است. شاید که شهادت دادن بر این موضوع تأثیر «مادی» در اعمال مجازات نداشته باشد ولی بنابر موازین شرعی و قانونی این گونه شهادت‌ها موجب می‌شود که مجازات مرگ و یا کمتر از آن ثابت گردد، پس اگر کسی تعمد در شهادت کذب داشته باشد؛ محکوم علیه به واسطه همین شهادت کذب قصاص شود، شاهد محکوم به قصاص می‌گردد هر چند گواه، خود مباشرت در قتل نکرده باشد.

سبب حسی

دخاله در جنایت با ایجاد سبب روانی و با اقدامات غیرمادی از دیگر انواع جنایت بالتسبیب است. در این گونه موارد علت جنایت فعل دیگری است، اما جانی احساس و اراده مباشر را تا حدودی به خدمت گرفته است. مانند آنکه به وسیله تشویق، تحریک و یا اکراه و تهدید، میل به جنایت را در دیگری تقویت نماید، به نحوی که اراده آزاد جانی در نتیجه این تحریکات تحت تأثیر واقع شده باشد و مرتکب جنایت گردد. در این شرایط اکراه کننده سبب روانی لازم را که همان داعی و انگیزه قوی ارتکاب جرم است؛ در دیگری ایجاد کرده است.

سبب عرفی

گاه ممکن است جانی به اعمالی روی آورد که تفاهم عرفی، فعل وی را سبب جنایت می‌شناسد. در حالی که علت جنایت امر دیگر است. اطعام مجنئی علیه با غذای مسموم از مصادیق سبب عرفی قتل است. هر چند که این خود مقتول است که با مباشرت در تناول غذای آلوده به سم اقدام به قتل خود کرده است، اما چنین شرایطی با توجه به جهل وی بر موضوع عرفاً سبب قتل را می‌شناسد. در نتیجه، نقش و تأثیر پیدایش و ایجاد خسارت یا جنایت، لازم است میان فعل مرتکب و جنایت یا خسارت وارد شده، رابطه سببیت به صورت وجودی و مثبت نیز وجود داشته باشد. با توجه به عبارت «اگر عامل نمی‌بود، جنایات واقع نمی‌شد» رابطه سببیت احراز نمی‌شود. از طرف دیگر، بیان شد در رابطه سببیت به معنای علت نیست؛ چراکه ملازمه عقلی بین فعل و نتیجه آن را لازم نمی‌بیند. لذا مطابق آنچه که آورده شد فیما بین فعل مرتکب و خسارات و یا جنایات ناشی از آن واقع شده است مطابق نظر عرف عملی می‌شود. بنابراین با توجه به مفهوم رابطه سببیت، باید نقش عوامل و اسباب متعدد را در پیدایش و ایجاد جنایت یا خسارت وارده مورد بررسی قرار گیرد.

نحوه مداخله در وقوع جنایات و خسارات در چنین مواردی گاه یک عامل دخالت می کند گاه عوامل متعدد، که در شکل اول شکی نیست. اما در شکل دوم اعم از قریب و بعید، کار را پیچیده و دشوار می کند. کما اینکه به موجب ماده ۴۹۴ ق.م.ا: «مباشرت می گوید آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب، واقع شود.» و یا اینکه: «مباشرت به کسی گفته می شود که نزدیک ترین علت قتل را فراهم می سازد» (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۱).

از دیدگاه فقهای امامیه نیز ایجاد علت تلف، نظیر احراق مانع از صدق اتلاف نیست (نجفی ۱۴۰۴ ج ۴۳: ۴۳؛ عاملی ۱۴۱۹ ج ۱۵: ۱۸)، اما تسبیب در جنایت مطابق ماده ۵۰۶ ق.م.ا، آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد. گذاشتن چیزی بر روی دیوار یا بالکن در هوای طوفانی یا سایر شرایطی که نوعاً مستعد ایراد صدمه یا خسارت است (ماده ۵۱۶ ق.م.ا)، برانگیختن حیوان (ماده ۵۰۱ ق.م.ا) و نظایر اینها که موجب بروز جنایت می شوند، تسبیب محسوب می شوند. چنانکه گفته شد، معمولاً فقهاء سبب را عبارت از چیزی می دانند که اگر نمی بود، تلف حاصل نمی شد، ولی علت تلف چیزی غیر از سبب است. علت افتادن در چاه همانا خطای کسی است که در چاه افتاده است، اما سبب یعنی کندن چاه فعلی است که اگر صورت نمی گرفت، جنایت واقع نمی شد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۱).

بررسی و تحلیل جنایات در هنگام برخورد با عوامل

به طور کلی در فرضی که جنایت یا خسارت از گذر مداخله چند عامل واقع می شود، سه حالت قابل تصور است:

الف) تعدد مباشر

مداخله عوامل در وقوع صدمه یا خسارت ممکن است همگی به شکل مباشرت باشد؛ مانند آنکه دو نفر در زمان واحد یا زمانهای مختلف به سمت مجنی علیه شلیک نمایند یا مال او را تخریب کنند و یا متعاقب یک عمل جراحی سزارین، مادر دچار خونریزی شدید شده، به علت ضعف تکنیکی جراح در کنترل خونریزی و ناتوانی متخصص بیهوشی در جبران به موقع خون از دست رفته، مادر فوت می کند (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۲).

ب) تعدد سبب

مداخله عوامل در خسارات بدنی یا مالی ممکن است همگی به شکل تسبیب باشد؛ مانند آنکه شخصی به صورت غیر مجاز گودالی حفر کند و دیگری سنگی کنار گودال قرار دهد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۲). در این مورد فقهاء چهار نظریه را مطرح کرده‌اند:

ضمان سبب مقدم در تأثیر: این نظریه مشهور فقهای شیعه است و قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۶۴ آن را برگزیده است. البته طبق نظر فقهاء فرض این مسئله در جایی است که هر دو متعددی باشند، ولی اگر عمل یک نفر مجاز و دیگری غیر مجاز باشد شخص متعددی ضامن است. دیدگاه امام این است که هر کدام از اینها در تأثیر سابق باشند، ضامن است؛ یعنی واضح الحجر (ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹: ۶۵۹).

ضمان همه سبب‌ها: همه سبب‌ها ضامن‌اند. کسانی از فقهاء که دلیل سبق در تأثیر را مخدوش می‌دانند به ضمان همه اسباب نظر داده‌اند. محقق حلی هر چند در آغاز سخن، نظریه اول (سبب مقدم در تأثیر) را می‌پذیرد، ولی در ادامه چنین می‌گوید: «چه بسا به نظر می‌رسد که هر دو ضامن باشند، زیرا تلف منحصر به یکی از آنها نبوده است. صاحب جواهر در تحلیل نظر اخیر محقق حلی می‌افزاید: «و فرض آن است که هر دو متعددی بوده و دلیلی هم بر اینکه فقط سبب مقدم در تأثیر ضامن باشد وجود ندارد». این نظریه هر چند مخالف نظر مشهور است، ولی مورد پذیرش بعضی فقهای معاصر، از جمله خوئی و نیز امام خمینی قرار گرفته است (ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹: ۶۵۹).

ضمان سبب مؤخر در وجود: بنابر این نظریه سببی که بعداً به وجود آمده ضامن است.

ضمان سبب اقوی: بنابر این نظر، همان‌گونه که در اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی از مباشر ضامن است، در اجتماع اسباب سبب اقوی ضامن است. به نظر می‌رسد در موارد اسباب متعدد باید حکم به جمع ضمان داد و استدلال محقق حلی در این خصوص کاملاً قوی است؛ با این توضیح که فرض بر این است که همه متعددی و مؤثر در خسارت بوده‌اند و بر اینکه تقدم و تأخر در تأثیر موجب انحصار ضمان باشد، دلیلی در دست نیست، شاید در این مسئله بتوان در جهت تقویت این نظریه به قاعده عدل و انصاف نیز استناد کرد (محقق داماد ۱۳۹۲: ۱۳۰).

ج) اجتماع سبب و مباشر

دخالت عوامل ممکن است در شکل اجتماع سبب و مباشر باشد؛ مانند آنکه کودکی در اثر بی‌احتیاطی والدین خود مایع سمی که توسط پدرش در مکان قابل دسترسی قرار داده شده را سر

می‌کشد و جهت درمان به بیمارستان منتقل می‌شود و در آنجا به علت ضعف تکنیکی پزشک در دفع مواد سمی فوت می‌کند. در این مثال، والدین سبب و پزشک حکم مباشر را دارد. همچنین باید اضافه کرد که زمان مداخله عوامل در ارتکاب جنایت می‌تواند همزمان (عرضی) یا غیر همزمان (طولی) باشد. به بیان دیگر، ممکن است چند نفر در یک زمان واحد و با همکاری یکدیگر شخصی را به قتل برسانند یا اینکه چند نفر در زمان‌های مختلف در وقوع جنایت سهیم باشند. برای نمونه، شخصی به علت درمان جراحی ناشی از رفتار دیگری به پزشک مراجعه می‌کند، اما به دلیل قصور پزشک در درمان فوت می‌کند. در عملیات پزشکی و جراحی اصولاً مداخله در جنایت به شکل طولی است و پزشک در بیشتر موارد نقش سبب حایل را ایفا می‌کند.

عوامل مداخله‌گر در ارتکاب فعل ممکن است دارای عنصر معنوی یکسان یا متفاوتی باشند که در هر حال در بحث رابطه سببیت اهمیت چندانی جز در موارد استثنایی ندارد. این امر به سه شکل قابل تفسیر است:

نخست: همه عوامل دارای عمد (تفکر مجرمانه) هستند؛ مانند آنکه «الف» به «ب» صدمه‌ای وارد کرده و او را مجروح می‌سازد و «ب» جهت معالجه به پزشک مراجعه می‌کند و پزشک عمداً و به قصد قتل از درمان خودداری کرده و در نتیجه مجروح فوت می‌کند.

دوم: همه عوامل دخیل در جنایت مرتکب تقصیر (بی احتیاطی و بی‌مبالاتی) شده‌اند؛ مانند آنکه فردی در اثر حادثه یا تصادف غیر عمدی دچار صدمه می‌شود و پزشک به هنگام معالجه به علت بی احتیاطی یا عدم مهارت خود آسیب یا صدمه مضاعفی به مصدوم وارد کرده و در نهایت سبب مرگ یا آسیب بیشتر می‌شود.

سوم: عوامل درگیر در جنایت برخی واجد عمد و برخی دارای تقصیر هستند؛ مانند اینکه از یک طرف «الف» عمداً به وسیله زید مجروح شده و از طرف دیگر، پزشک نیز در درمان وی قصور و بی احتیاطی کند و در نهایت منجر به مرگ او می‌شود (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۲).

کیفیت مداخله عوامل در وقوع جنایات یا خسارت‌های مالی به صورت مباشرت یا تسبیب یا اجتماع آن‌ها توسط فقهای امامیه نیز مطرح شده است. اما به نظر می‌رسد جامع‌تر از همه نراقی در این زمینه بحث کرده است. ایشان معتقدند: عامل ممکن است از طریق ایجاد علت تلف دخالت کند یا از راه ایجاد سبب تلف. اولی که مباشرت یا مباشرت به اتلاف نامیده می‌شود، ممکن است بدون واسطه باشد (مانند کشتن با شمشیر) یا از طریق ایجاد علت تلف (مانند جراحی که ایجاد بیماری کند و آن بیماری سبب فوت شود). به هر دو قسم عرفاً مباشرت گفته می‌شود، زیرا

مناطق مباشرت این است که تلف، اثر فعل مباشر یا اثر اثر فعل وی و عدم مشارکت غیر فعل او یا عدم دخالت اثر فعل دیگری در تأثیر فعل مرتکب باشد؛ گرچه تأثیر فعل متوقف بر شرطی باشد، مانند گرمای هوا در جرح. مراد از ایجاد سبب تلف، چیزی است که با وجود علت تلف ملازمه دارد و عادتاً در پی آن رخ می‌دهد، اما نه به همان علت، بلکه با علت دیگری واقع می‌شود. ایجاد سبب تلف نیز بر دو قسم است: نخست آنکه مباشرت دیگری در آن دخالت نکند، مانند آنکه کسی آتشی در کنار متاع دیگری هنگام ورزش شدید باد بیفروزد یا حیوانی را از آب و غذا باز دارد. دوم آنکه با مداخله مباشرت دیگری واقع شود، به گونه‌ای که سبب در ایجاد مباشرت در آن مؤثر باشد، مانند اکراه بر تلف یا شهادت دروغ نزد قاضی یا نهادن غذای مسموم نزد مهمان جاهل. این دو قسم، تسبیب به معنای خاص یا ملزوم به سبب نامیده می‌شود (نراقی ۱۴۲۲: ۴۲۷-۴۳۱). در هر حال، با وحدت مباشر یا مسبب مشکل چندانی در احراز رابطه سببیت نیست و تعدد آن‌ها به دشواری‌های این حوزه دامن می‌زند (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۳).

راه حل قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در مورد رابطه سببیت از یک منطقی تبعیت ننموده است. در این قانون با توجه به اینکه رفتار افراد به سه شکل: تعدد اسباب، اجتماع سبب و مباشر و تعدد مباشر متفاوت است، لذا نمی‌توان حکم مذکور در این موارد را به عنوان یک قاعده و یا اصل در نظر گرفت و به همه موارد و یا مصادیق دیگر سرایت دارد.

تعدد اسباب

تعدد اسباب در یک تقسیم‌بندی کلی به دو قسمت تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: تعدد اسباب به شکل عرضی و تعدد اسباب به شکل طولی.

تعدد اسباب به شکل عرضی

قانون مجازات اسلامی به‌طور صریح و مستقل حکم دخالت اسباب متعدد به صورت عرضی را بیان نکرده است، اما اطلاق ماده ۵۳۳ این قانون شامل تعدد اسباب نیز می‌شود. طبق ماده مزبور: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند» بنابراین در این حالت که جنایت منتسب به همه اسباب است همگی به‌طور مساوی ضامن دین

خواهند بود (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۷).

جمعی از فقهای امامیه نیز در صورتی که دو نفر به طور همزمان سبب جنایتی شوند، مانند اینکه به طور همزمان شخصی چاهی حفر کند و دیگری کنار آن سنگی بگذارد، اشتراک در ضمان را برگزیده‌اند (علامه حلی ۱۳۸۸: ۳۷۴؛ هاشمی شاهرودی و دیگران ۱۴۲۳ ج ۳: ۲۷۰؛ عاملی ۱۴۱۳ ج ۱۲: ۱۶۴). در این حالت، اگر تأثیر رفتار عوامل متعدد نابرابر باشد، حکم قانون که قائل به برابری ضمان بوده است، قابل انتقاد است. لذا در اینجا چند نظریه وجود دارد که عبارت‌اند از:

نظریه تساوی: بسیاری از فقهاء در جایی که چند نفر سبب واحدی را ایجاد کنند به صراحت به تساوی مسئولیت حکم نموده‌اند. هر گاه دو نفر یا بیشتر مثلاً در قرار دادن سنگی اشتراک پیدا کنند، ضمان بر تمام آنهاست و ظاهر این است که ضمان بین آنها به تساوی است اگرچه قوای آنها مختلف باشد (هاشمی ۱۳۹۲: ۴).

نظریه نسبت تأثیر: منظور از این نظریه این است که مسئولیت به نسبت تأثیر هر یک از اسباب در زیان بین اسباب متعدد تقسیم گردد. مطابق ماده ۵۲۶ ق.م.ا: «هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است». و همچنین طبق ماده ۵۲۷ ق.م.ا: «هر گاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او پردازند».

نظریه تقصیر: گاه با شناخت درصد «تقصیر»، به میزان تأثیر پی می‌بریم و البته در مواردی در قانون، این دو کلمه به جای هم به کار می‌روند، لیکن به نظر می‌رسد تقصیر و تأثیر دو مقوله جدا باشند، زیرا ممکن است کسی با «تقصیر سبک» موجب خسارت زیادی شود و دیگری بر عکس با تقصیر سنگین، تأثیر کمی در خسارات داشته باشد. مثلاً قانون‌گذار ایران در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره نموده است.

نظریه تضامن: در حقوق ایران برخی معتقدند که مسئولیت مسئولان متعدد، تضامنی است. چون خوانندگان متعدد با هم خسارت را ایجاد کرده‌اند، بنابراین برای اثبات نظریه خود به برخی قوانین موضوعه نیز استناد نمودند و معتقدند در ایجاد مسئولیت، نوع همبستگی و ارتباط بین «ضامنان» به وجود می‌آید که در اصطلاح «تضامن» گفته می‌شود (امیری قائم مقام ۱۳۷۸ ج ۱: ۳۰۶؛ کاتوزیان ۱۳۷۴: ۲۹۵).

بنابراین به نظر می‌رسد در حقوق ایران غیر از موارد خاص که در آن‌ها بر تضامن اشاره شده است، در مسئولیت قراردادی و قهری مسئولیت نسبی و بر اساس تأثیر اسباب است، و از لحاظ نظری تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب، امری منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد (هاشمی ۱۳۹۲: ۷).

تعدد اسباب به شکل طولی

طبق ماده ۵۳۵ ق.م.ا: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

ماده مزبور ناظر به تعدد اسباب غیرمجاز به شکل طولی است و با توجه قید «به نحو سبب» در صدر ماده صرفاً در مورد مداخله افراد در شکل تسبیب کاربرد داشته و شامل مداخله عوامل در شکل مباشرت یا اجتماع سبب و مباشر نمی‌شود. در واقع، ماده ناظر به اجتماع اسباب به صورت طولی (غیرهمزمان) است و به سایر اشکال دخالت در جنایت، از جمله تعدد عوامل به صورت طولی یا اجتماع سبب و مباشر، تسری نمی‌یابد؛ بنابراین ضامن سبب مقدم در تأثیر، یک قاعده عام و فراگیری را بیان نکرده و تنها در ضابطه و موضوع خاصی محدود می‌شود. در فقه امامیه نیز نظریه سبب مقدم در تأثیر تنها در فرض تقدم و تأخر اسباب متعدد در وقوع جنایت ارائه شده است. بدیهی است مثال گودال و سنگ در ماده ۵۳۵ موضوعیت نداشته و در همه موارد که اشخاص متعددی به شکل سبب در وقوع جنایت مداخله نمایند، حکم مزبور جاری است. برای نمونه، در فرضی که دو پزشک در درمان یک بیمار به علت تشخیص نادرست در زمان‌های مختلف داروهایی را تجویز کرده باشند، ضامن، در صورت عدم احراز شرکت در جرم، متوجه پزشکی خواهد بود داروی تجویزی او مقدم

در تأثیر باشد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۵۸).

حال این سؤال مطرح می‌شود اسبابی که در طول هم رخ می‌دهد و حادثه‌ای به وجود می‌آورد زیان وارده منتسب به چه کسی است؟ فقهاء در حل مسائل سببیت از حیث موضوع با حکم علاوه بر معیار عقلی و عرفی از قواعد و ادله شرعی نیز سود جستند و گاهی به فصل خاصی و یا استصحاب تمسک کرده‌اند در حالی که استدلال حقوق دانان تنها بر اساس معیار عقلی و عرفی است. شهید ثانی در مسالک می‌گوید: «اگر سبب‌ها متعدد بودند ضمان بر سببی است که مقدم است البته به شرطی که سبب‌ها مترتب بر یکدیگر باشند مثل اینکه شخصی چاهی را حفر کند به شکل عدوانی و دیگری سنگی بر دهانه آن قرار دهد، اما اگر ترتیب منتفی باشد و هر دو با هم چاه را کنند و سنگ را در دهانه آن قرار دادند یا همزمان این کار را کردند ضمان بر هر دو است و اگر اسباب متعدد باشد مانند حافر البئر و واضع الحجر و شخص در اثر برخورد با سنگ داخل چاه سقوط کند واضع الحجر مسئول است». این سخن مشهور فقهاء در ماده ۳۶۴ قانون مجازات قدیم و مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. لذا در مورد اجتماع اسباب متعدد می‌توان گفت این موارد به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: الف) هم اسباب متعدد عدوانی می‌باشد؛ ب) هم اسباب متعدد عدوانی نباشند، یعنی برخی از اسباب عدوانی نیز در جنایات مؤثر باشند.

الف) اجتماع اسباب عدوانی و غیر عدوانی: حالت اول اگر اسباب متعدد در طول هم باشند و در بین آن‌ها یک سبب عدوانی باشد همان سبب عدوانی مسئول حمایت می‌باشد و اسباب غیر عدوانی مسئولیتی ندارند. ضمناً در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «انجام غیر مجاز» را ذکر کرده در صورتی که درباره ۳۶۴ قانون مجازات قدیم عنوان «عدواناً» بیان شده است و در هنگام مقایسه می‌توان با صراحت گفت که قانون جدید نسبت به این امر توجهی نکرده چون گاهی اوقات عرف عامل و غیر مجاز را به یک اندازه مقصر و مورد مذمت و سرزنش قرار دهد. مثلاً یک نهاد دولتی و یا غیر دولتی با مجوز و یک شخص نیز بدون مجوز گودالی حفر می‌کند و آقای «ب»، بنا به فرض در این گودال سقوط می‌کند آیا در چنین حالتی از نظر عرف این عامل حفر گودال با مجوز کمتر از زمانی است که یک فرد بدون مجوز گودالی حفر کرده و نهایتاً منجر به سقوط فردی در آن شده است و به وی جنایتی وارد شده است، لذا به نظر می‌رسد قانون در چنین مواردی باید تأمل نماید و فقط به برخی از مثال‌های ذهنی اکتفا نمی‌کرد، پس نتیجه می‌گیریم که مجدداً واژه‌های عدوانی و غیر عدوانی به جای واژه‌های مجاز و غیر مجاز ذکر شود (محسنی و ملکوتی ۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۴۸).

ب) اجتماع اسباب عدوانی: دومین قسم از اقسام اجتماع اسباب، همان اسباب متعدد در

طول هم می‌باشند که آن‌ها نیز در ایجاد حادثه و جنایات مؤثر هستند و عدوانی می‌باشند. لازم به ذکر است برخی از فقهاء می‌گویند به استناد اصل استصحاب سبب اول ضامن است در صورتی که محقق خوبی در این باره نوشته است: «مشهور فقهاء برای فتوای خویش جز استصحاب دلیلی ندارند در صورتی که استصحاب جاری نمی‌شود؛ چون قبل از به‌وجود آمدن سبب دوم سبب اول تأثیری نداشته است تا آن را استصحاب نماییم و بر سبب مقدم تقدم بخشیم، بلکه زیان به هر دو سبب استناد داده می‌شود در نتیجه ضامن مسئولیت متوجه هر دو سبب به یک اندازه می‌شود. لذا ترجیح سبب مقدم در تأثیر بر سبب لاحق فاقد و جاهت است» (محسنی و ملکوتی ۱۳۹۴: ۱۴۸).

لازم به ذکر است اگرچه در قانون مجازات اسلامی سابق ضامن سبب مقدم در تأثیر را پذیرفته و ماده ۵۳۵ نیز همین نظریه را با یک استناد، ذیل همان ماده پذیرفته است و این نظریه از نظر عرف و از نظر عقلی موجه به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال، دادگاه جزایی یکی از مناطق با وجود اسباب طولی در وقوع حادثه طبق نظریه کارشناسی حکم صادر می‌کند. ولی یکی از شبهات دیوان عالی کشوری با این استدلال که در باب اجتماع اسباب سبب قریب ضامن است و بقیه اسباب حکم به برائت آن‌ها صادر می‌شود. لازم به ذکر است با عنایت به رویه قضایی در مورد تعدد اسباب طولی در وقوع جنایات اتخاذ شده است مواد ۵۳۵ و مواد ۵۳۶ قابل تأمل می‌باشند (محسنی و ملکوتی ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۹). لذا در اسباب طولی نیز پند نظریه وجود دارد که عبارت‌اند از:

نظریه ضامن سبب مقدم در تأثیر: مطابق قول مشهور فقهای امامیه و قانون‌گذار ایران، هر گاه چند سبب به نحو تعاقب، جنایتی را ایجاد کنند، سببی ضامن است که تأثیر آن در ایجاد جنایت، نسبت به سایر اسباب مقدم باشد ولو آنکه در پیدایش، همزمان و یا حتی مؤخر باشد (هاشمی ۱۳۹۲: ۷).

نظریه تساوی: همان‌طور که در اسباب عرضی به این نظریه اشاره شد، در اینجا نیز برخی عقیده دارند، که همه اسباب مشترکاً به صورت تساوی ضامن می‌باشند. زیرا تلف از همه اسباب ناشی شده است. البته به این راه‌حل نیز می‌توان انتقاد کرد، زیرا به میزان تقصیر یا تأثیر هر یک از اسباب و در نتیجه تفاوت در مسئولیت آن‌ها در جبران ضرر، اهمیتی قائل نشده است و پذیرش این نظریه، باعث بی‌عدالتی خواهد شد (هاشمی ۱۳۹۲: ۹).

نظریه سبب متعارف: مطابق این نظریه، هر کس با توجه به ضرر ایجاد شده باید جبران خسارت بنماید. این نظریه دارای نکات مثبتی است؛ زیرا از یک سو به ارتباط مناسب بین عمل مرتکب و حادثه زیانبار توجه کرده است، از سوی دیگر، ملاکی که برای تعیین سبب مطرح شده، امکان عینی تعیین سبب را در اغلب موارد ممکن می گرداند. لذا براساس این نظریه، دادگاه باید از نظریات علمی و جلب نظر کارشناس و متخصصین امر، رابطه سببیت بین رفتار شخص و صدمه وارده را احراز نماید (هاشمی ۱۳۹۲: ۱۰).

نظریه توزیع ضمان به نسبت میزان تأثیر: یکی دیگر از نظریه‌ها ضمان به نسبت سهم تأثیر اسباب در حصول نتیجه بین آن‌ها توزیع می گردد. صاحب جواهر پس از نقل این احتمال می گوید: این احتمال منافی با قواعد اشتراک است؛ زیرا مراد بر حصول تلف است و با عمل همه آنان، هر چند متفاوت باشد مانند جرح‌های متعددی که بر یک شخص وارد می گردد، به عبارت دیگر: «همان طور که تفاوت در مباشرت افراد، موجب تفاوت در مجازات نمی شود همچنین تفاوت در سبب موجب تفاوت در مجازات نیست». لازم به ذکر است که این نظریه بین فقهاء و حقوق دانان طرفدار زیادی ندارد (هاشمی ۱۳۹۲: ۹).

تعدد مباشر

دخالت مباشران متعدد در وقوع جنایت ممکن است به صورت عرضی و یا طولی باشد. بدیهی است که هر کدام از این تقسیمات واجد اثر بوده و مؤثر در مسئولیت مرتکبان است.

تعدد مباشر به شکل عرضی

در فرضی که دو یا چند مباشر به صورت هم زمان و عرضی در وقوع جنایت مداخله نمایند، جنایت به همه آن‌ها منتسب بوده و همه شریک در جنایت هستند. مفاد ماده ۴۵۳ ق.م.ا. در این خصوص قابل استناد است. طبق ماده مزبور: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکاء یا عاقله آن‌ها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است» ماده ۵۳۳ نیز بر حکم مزبور صحه گذاشته و مسئولیت شرکاء را، قطع نظر از کیفیت و چگونگی مداخله آن‌ها، یکسان می نگرد. برخی از فقهای معاصر نیز در فرض تعدد مباشر در صورتی که جنایت مستند به همه آن‌ها باشد، حکم به ضمان همه نموده، گفته اند دیه بین آنان تقسیم می شود (هاشمی شاهرودی و دیگران ۱۴۲۳ ج ۳: ۲۵۹).

افزون بر مواد فوق، حکم دخالت مباشران متعدد در وقوع جنایت به طور همزمان از ماده ۵۲۷ ق.م.ا نیز برداشت می‌شود. مطابق این ماده: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم پردازند» این ماده، هر چند به اصابت از طریق برخورد دو نفر با هم که به نوعی هم‌زه‌کار و بزه‌دیده هستند، اشاره دارد و به نوعی متفاوت از شرکت است و حتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ذیل عنوان «اشتراک در جنایت» مطرح شده بود، اما در هر حال متفاوت از مباشرت نیست. از واژه بی‌واسطه در این ماده برمی‌آید که مقنن به مباشرت نظر داشته است، نه تسبیب در وقوع جنایت؛ نکته قابل توجه در اینجا تعارضی است که بین مواد ۵۳۳ و ۵۲۷ و ۵۲۸ وجود دارد: ماده‌های ۵۳۳ و ۵۲۸ بدون توجه به میزان دخالت هر یک از مرتکبان در وقوع جنایت، حکم به تساوی مسئولیت آنان داده است، لکن ماده ۵۲۷ تنها در صورتی قائل به تساوی مسئولیت شده که میزان تأثیر رفتار مباشران در برخورد با یکدیگر (وقوع جنایت) مساوی باشد. از مفهوم مخالف این ماده مستفاد می‌شود که در صورت تفاوت در تأثیر رفتار هر یک از مباشران در وقوع جنایت، باید حکم به مسئولیت هر یک از عوامل به نسبت تأثیر رفتار آن‌ها نمود.

تعدد مباشر به شکل طولی

در حالتی که عوامل گوناگونی در قالب مباشرت (به‌طور مستقیم) و به‌صورت طولی در وقوع جنایت مداخله نمایند، قانون مجازات اسلامی نسبت به آن قاعده مستقلی بیان نکرده است. برخی نویسندگان، تصور دخالت مباشران متعدد در وقوع جنایت به صورت طولی را غیرممکن دانسته و فرض مداخله عوامل متعدد در وقوع جنایت را منحصر به تعدد اسباب یا اجتماع سبب و مباشر کرده‌اند (صادقی ۱۳۹۳: ۱۰۱) که البته محمل و مبنای قانع‌کننده‌ای ندارد؛ زیرا به همان میزان که اجتماع اسباب یا اجتماع سبب و مباشر احراز رابطه سببیت را در برخی شرایط دشوار می‌کند، تعدد مباشر نیز به این پیچیدگی‌ها دامن می‌زند و بنابراین انحصار سببیت به دیدگاه فوق از منظر حقوقی قابل توجیه نیست. قانون مجازات اسلامی در مواد گوناگونی برخی مصادیق دخالت مباشران متعدد به صورت طولی را بیان نموده است و افزون بر آن، در این فرض می‌توان با وحدت ملاک از ماده ۵۲۶ سه حالت را در نظر گرفت، که این سه حالت عبارت‌اند از: ۱. استناد

جنایت به مباشر مؤخر در تأثیر؛ ۲. استناد جنایت به مباشر مقدم در تأثیر؛ ۳. استناد جنایت به همه مرتکبان که از توضیح آنها صرف نظر می‌نماییم (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۵۸).

اجتماع سبب و مباشر

قانون گذار حکم اجتماع این دو را در ماده ۵۲۶ با اینکه در مصوبه اولیه مجلس شورای اسلامی در مورد ماده‌های مربوط به تعدد عوامل و اسباب، به ویژه ماده ۵۳۳ مسئولیت افراد در پرداخت دیه بر مبنای میزان تأثیر رفتارشان تعیین شده بود، اما شورای نگهبان غیر از مواد ۵۲۶ و ۵۲۷، سایر موارد را خلاف موازین شرع شناخته است و مجلس ناگزیر با عدول از مصوبه نخستین در جهت تأمین نظر شورای نگهبان مسئولیت برابر را تجویز کرد (رستمی و شعبانی کندسری ۱۳۹۵: ۱۶۴ پاورقی). با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان اجتماع سبب و مباشر را در حالت‌های زیر تصور نمود:

اجتماع سبب و مباشر به صورت عرضی

در این حالت، تأثیر دو عامل همزمان بوده و برآیند هر دو، موجب مرگ یا صدمه قربانی می‌شود. مانند چاقو زدن به قربانی و سمی کردن غذای وی توسط دو نفر و حدوث مرگ در اثر هر دو اقدام، به نحوی که پزشکی قانونی، جرح در اثر چاقو و ورود سم به بدن قربانی را، مشترکاً عامل مرگ اعلام نماید. همان‌گونه که گفته شد، در این حالت، تأثیر سبب و مباشر همزمان است، اما لازم نیست که پیدایش هر دو نیز همزمان باشد. لذا در صورتی که آلوده کردن غذای قربانی یک یا چند روز پیش از وارد آوردن ضربات چاقو توسط مباشر باشد. و یا برعکس، با سرایت نتیجه و حدوث مرگ توسط هر دو عامل، سبب و مباشر شریک در قتل می‌باشند. این حالت از اجتماع سبب و مباشر از مصادیق بارز ماده ۲۱۴ ق.م.ا است. به موجب این ماده: «هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمان‌های متفاوت، چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می‌شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود».

اجتماع سبب و مباشر به صورت طولی

در این حالت که عاملی سبب وقوع جرم و عامل دیگر مباشر آن است، فقهای امامیه مباشر را مسئول قتل یا صدمات وارده دانسته‌اند (ادریس ۱۳۷۷: ۱۵۱-۱۵۲). در این حالت، تأثیر سبب و مباشر همزمان نمی‌باشد؛ تأثیر مباشر، بر وجود سبب، متوقف است. مانند کندن چاهی توسط شخصی و انداختن قربانی توسط دیگری. مطابق ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی، فردی که اقدام به انداختن دیگری در چاه نموده، قاتل محسوب می‌شود و نه فرد حفار. همان‌گونه که گفته شد، هنگام اجتماع سبب و مباشر در این معنا، سبب در معنای حقیقی خود به کار نرفته و بلکه شرط می‌باشد؛ بنابراین اجتماع در این حالت، در حقیقت اجتماع شرط و مباشر است.

سبب اقوی از مباشر

هر چند مطابق ماده ۳۶۳ ق.م.ا، در صورت ارتکاب جرم با وجود سبب و مباشر، به علت قدرت مباشر و استناد مرگ به وی، مباشر ضامن است و همان‌گونه که گفته شد، سبب را با وجود شرایط لازم، از باب معاونت می‌توان مورد تعقیب قرار داد، اما، قانون‌گذار در قسمت آخر ماده مذکور با ذکر عبارت «مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد» (آقایی نیا ۱۳۷۸: ۱۴۷) در حالت قوی‌تر بودن سبب از مباشر، وی را ضامن دانسته است. باید دانست، سبب در این حالت از صرف کمک‌کننده مباشر فراتر رفته و با تأثیر بر مباشر جرم، عرفاً قتل را به خود منتسب می‌کند (در حقیقت، سبب اقوی از مباشر نیز یکی از اقسام ارتکاب جرم با واسطه و یا همان مباشرت در ارتکاب جرم در معنای عام است). زیرا، در این حالت نیز به علت ضعف مباشر، جرم با ارکان خود منتسب به سبب می‌باشد. برخی از حقوق‌دانان به همین علت، سبب اقوی از مباشر را مباشرت غیرمستقیم در ارتکاب جرم نامیده‌اند (محسنی ۱۳۷۶ ج ۳: ۴۶-۴۸). به‌عنوان مثال، اگر پرستاری به تحریک پزشک، با آمپولی کشنده بیماری را به قتل برساند، عمل پزشک، تنها معاونت خواهد بود. درحالی‌که در حالت ناآگاهی پرستار از سمی بودن آمپول و اجرای دستور پزشک در راستای انجام وظیفه، عمل پزشک از معاونت فراتر رفته و عرفاً به علت ضعف مباشر جرم، جرم به وی منتسب می‌شود. همچنین عمل شخصی که با تحریک دیگری و با القاء به وی در مورد آب بودن محتوای یک ظرف، موجب ریختن اسید روی قربانی شود، به علت ناآگاهی فاعل، جرم، منتسب به فرد تحریک‌کننده است. لازم به ذکر است که قوی‌تر بودن سبب از مباشر تنها در حالت اجتماع طولی آن‌ها متصور است. زیرا، در حالت اجتماع آن‌ها به صورت عرضی، سبب به دلیل تأثیر عمل خود و نه به علت

تأثیر بر مباشر، مسئول است. در حالی که هدر اجتماع طولی آن‌ها، سبب می‌تواند با تأثیر بیشتر بر مباشر، جرم را متناسب به خود نماید.

نتیجه‌گیری

احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه یکی از عناصر تشکیل دهنده عنصر مادی جنایات و نیز میان فعل زیان‌بار و خسارت‌های وارد شده به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مبتنی بر یک الزام قانونی است؛ اما مشکل در طریقه احراز رابطه سببیت و انتساب نسبت به جرایم است، به‌ویژه زمانی که عوامل به شکل طولی باشد؛ بنابراین با پیچیدگی احراز رابطه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای حل مشکل رابطه‌های سببیت در مواد مختلف قانون در مجموع کامل و کامیاب نبوده و نقصان‌های زیادی در آن مشهود است. مهم‌ترین مشکل فقدان معیار واحد و تجویز راهکارهای متعدد برای احراز سببیت است چون قاعده کلی و یک‌دست برای حل مشکل سببیت وجود نداشته و با توجه به نحوه دخالت مرتکبان و مسئولیت آن‌ها بر اساس مواد قانون مجازات مورد بحث قرار می‌گیرد، لذا به نظر می‌رسد ماده ۵۲۶ ق.م.ا در ذیل طرح اجتماع سبب و مباشر مورد تجویز قانون‌گذار قرار گرفته است، از جهاتی منطقی و قابل دفاع است. لذا این ماده عمومیت پیدا کرده و به همه حالت‌ها اعم از تعدد مباشر و تعدد اسباب تسری نماید، یک ضابطه معقولی به‌دست خواهد آمد ولی راهکاری در ماده مذکور به‌ویژه از آن جهت که تفاوت تأثیر رفتار مرتکبان را در پرداخت دیه مؤثر دانسته، عادلانه و منصفانه است و لذا نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که در وضعیت کنونی برای احراز رابطه سببیت باید به نوع مداخله عوامل و اینکه نوع رفتار مرتکبان در قالب تعدد اسباب است یا تعدد مباشر و یا اجتماعی از هر دو، مورد توجه شده و سپس با استناد به ماده‌های قانونی مورد بحث و بررسی قرار داد. از طرف دیگر، هرچند اکثر مؤلفان در این حوزه معتقدند که قانون باید به صراحت معیاری را ارائه کرده و قاضی دادگاه با تطبیق حقایق و وقایع با آن معیار رابطه استناد را احراز نموده و سپس شخص را مسئول حادثه بشناسد، ولی به نظر می‌رسد علاوه بر این، لازم است با بهره‌گیری از منابع مختلف به‌ویژه آرای فقهی، شرایط و واقعیات رویه قضایی هر پرونده را مدنظر قرار داده و با در نظر گرفتن عرف رابطه سببیت را تبیین نماید.

همان‌طور که در بررسی برخی مواد از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره گردید، تغییرات مؤثری در پاره‌ای از مواد این باب از قانون در جهت رفع اختلاف نظرهای حقوقی اعمال گردیده است. از جمله محدود کردن دایره شمول نظریه سبب مقدم در تأثیر که از جهات مختلف قابل

تأمل است. ولی آنچه فراسوی مواد قانونی دارای اهمیت می‌باشد و خواه ناخواه در تحلیل مواد و یا حتی تغییر آن نقش مؤثری ایفا می‌نماید، تفکیک نظری مسئولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان مقررات کیفری باید در تمامی مراحل، با مطمح نظر قرار دادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی بنمایند. مسلماً در چنین صورتی است که راه اختلاط دو مبحث و اصطلاحات و ابزارهایشان با یکدیگر مسدود می‌گردد. طبعاً بر اساس ادبیات کیفری، مسئولیت کیفری مقدم بر موجبات ضمان و به‌عنوان کانون بحث در رابطه سببیت قرار خواهد گرفت و پرداخت خسارت به‌عنوان امری لازم ولی متفرع بر مسئولیت کیفری محقق خواهد شد.

منابع

- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۷۸) *حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (جنایات)*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم.
- ادریس، عوض احمد. (۱۳۷۷) *دیه*، ترجمه علیرضا فیض، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق) *مجمع الفائدة والبرهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲) *حقوق جزای عمومی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ ۳۰.
- امام‌خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵) *تحریر الوسیلة* (ترجمه فارسی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۹) *تحریر الوسیلة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، چاپ ۱.
- امیری قائم مقامی، عبدالحمید. (۱۳۷۸) *حقوق تعهدات*، تهران: نشر میزان.
- حائری، سید کاظم. (۱۴۱۸ق) *تقریر مباحث الأصول* از سید محمدباقر تقریر سید کاظم حائری، قم: نشر اسماعیلیان.
- رستمی، هادی و هادی شعبانی کندسری. (تابستان ۱۳۹۵) «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)» *پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۱۴۳-۱۷۱.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق) *مسالك الأفهام*، قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامی، چاپ اول.
- صادقی، محمدهادی. (تابستان ۱۳۹۳) «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ششم، شماره دوم، صص ۹۷-۱۲۳.

- عاملی، سیدجواد. (۱۴۱۹ق) *مفتاح الکرامه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۸ق) *تذکرة الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ق) *قواعد الاحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۰ق) *ارشاد الاذهان فی سلسله الینایع الفقهیه*، بی جا: نشر دارالاسلامیه.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ق) *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة*، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، چاپ بیستم.
- فیض، علیرضا. (۱۳۸۹) *مقارنه و تحقیق در حقوق جزای اسلام*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷) *الزامهای خارج از قرارداد، مسؤلیت مدنی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم.
- _____ (۱۳۷۴) *الزامهای خارج از قرارداد، مسؤلیت مدنی (ضمن قهری)*، تهران: دانشگاه تهران.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۶) *دوره حقوق جزای عمومی*، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- محسنی، فرید و نصیر ملکوتی. (پاییز ۱۳۹۴) «ابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۲) *قواعد فقه*، بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق حلی، نجم الدین. (۱۴۰۸ق) *شرایع الاسلام*، ترجمه محمدتقی دانش پژوه، بی نا، بی جا.
- مدنی تبریزی، یوسف. (۱۴۲۸ق) *مسائل مستحدثه*، قم: انتشارات آیت الله مدنی تبریزی، چاپ پنجم.
- مراغی، احمد مصطفی. (۱۴۱۸ق) *تفسیر المراغی*، نسخه الکترونیکی.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم. (۱۴۰۳ق) *حول الحدود و التعزیر*، قم: مؤسسه النشر.
- موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۸۸) *قواعد فقه*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- نائینی، محمدحسین. (۱۴۱۸ق) *تنبییه الأمة و تنزیه الملة*، تصحیح سید جواد ورعی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق) *جواهرالکلام فی شرح شوائع الاسلام*، بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی مولی محمد بن احمد. (۱۴۲۲) *مشارقی الاحکام*، قم: کنگره نراقین ملا مهدی و ملا احمد، چاپ دوم.
- هاشمی، احمد علی. (پاییز و زمستان ۱۳۹۲) «اسباب متعدد در مسؤلیت مدنی» *دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱-۱۵.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران. (۱۴۲۳) *موسوعة الفقه الاسلامی*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه الاسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.